

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهراء(س)

دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته روان شناسی گرایش تربیتی

عنوان

بررسی همخوانی شکل گیری ایمان در نوجوانان با نظریه رشد ایمان

فولر

استاد راهنما

دکتر مهناز اخوان تفتی

دانشجو

حمیده زارعی

مهر ۱۳۸۹

تقدیم

برای تو،

که ذره‌های بودن، در کشش‌های یادت

جمع می‌آیند و آنگاه واژه‌ها از

«عدم» تا «اقلیم وجود»

راه‌سپردند.

تقدیر و تشکر

حال که با یاری ایزد یکتا توفیقی هر چند کوچک در کسب علم و دانش نصیبم گردیده، در آغاز بر خود وظیفه می دانم نهایت سپاس و تشکر خود را نثار سروران محترمی کنم که انجام این پژوهش مرهون کمک های بی شائبه آنهاست.

از راهنمایی های مفید استاد راهنمای محترم خانم دکتر مهناز اخوان تفتی.

از تلاش های خالصانه استاد مشاورم خانم دکتر گلنار مهران.

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی همخوانی شکل گیری ایمان در نوجوانان با نظریه رشد ایمان فولر انجام شده است. روش پژوهش حاضر به دلیل ماهیت موضوع از نوع توصیفی می باشد. جامعه آماری، شامل کلیه نوجوانان ۱۲-۱۸ ساله شهر تبریز بوده که با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ی تصادفی، ۳۲۰ نوجوان از میان آنها به عنوان نمونه پژوهش در بخش کمی انتخاب شدند. در بخش کیفی نیز با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند، ۲۸ نوجوان برگزیده شده است. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته براساس اهداف پژوهش و نظریه رشد ایمان فولر و مصاحبه رشد ایمان (FDI) می باشد.

تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آمارهای توصیفی (میانگین، توزیع فراوانی، نمودار) و استنباطی (خی دو، ضریب، تحلیل واریانس، آزمون t) با نرم افزار Spss انجام گردیده است. نتایج به دست آمده نشان داد که بین رشد ایمان نوجوانان با مرحله سوم نظریه رشد ایمان فولر همخوانی وجود دارد. و مشخص شد که بین رشد ایمان در دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد ($t=-4.58, df=318, p=/.001$). و نیز، بین رشد ایمان در نوجوانان از طبقه های مختلف اجتماعی تفاوت معناداری حاصل شد. ($F=17.99, df=2.317, p=/.001$). همچنین در رشد ایمان نوجوانان دوره راهنمایی و دبیرستان تفاوت معناداری مشاهده شد ($t=2.85, df=318, p=/.001$).

کلید واژه: رشد ایمان-نوجوان-نظریه رشد ایمان فولر

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول

۱-۱.مقدمه.....	۱
۲-۱.بیان مساله.....	۵
۳-۱.ضرورت و اهمیت پژوهش.....	۱۱
۴-۱.هدف پژوهش.....	۱۲
۵-۱.فرضیه های پژوهش.....	۱۳
۶-۱.تعریف مفهومی.....	۱۳
۷-۱.تعریف عملیاتی.....	۱۴

فصل دوم

۱-۲.مقدمه.....	۱۵
۲-۲.ایمان انسان.....	۱۵
۳-۲.ایمان، مذهب، باور.....	۱۹
۴-۲.نظریه رشد ایمان.....	۲۱
- زیربنای توسعه نظریه رشد ایمان.....	۲۱
- نظریه ساختی-شناختی و ایمان.....	۲۴
- نظریه روانی-اجتماعی و ایمان.....	۲۹
۵-۲.ایمان و روابط.....	۳۱
۶-۲.مراحل ایمان.....	۳۴
- مرحله اول.....	۳۵
- مرحله دوم.....	۳۷
- مرحله سوم.....	۳۷
- مرحله چهارم.....	۴۰
- مرحله پنجم.....	۴۳
- مرحله ششم.....	۴۴
۷-۲.جنبه های ایمان.....	۴۶
- جنبه تفکر منطقی.....	۴۶
- جنبه دیدگاه گیری.....	۴۷
- جنبه قضاوت اخلاقی.....	۴۷
- جنبه آگاهی اجتماعی.....	۴۷

۴۸ جنبه جایگاه قدرت
۴۸ جنبه وحدت جهان
۴۸ جنبه عملکرد نمادین
۴۹ ۸-۲. نتیجه گیری
بخش دوم	
۵۰ ۹-۲. نوجوانی
۵۲ ۱۰-۲. نظریه های مربوط به دوران نوجوانی
۵۳ ۱۱-۲. ایمان در دوره نوجوانی
۵۷ ۱۲-۲. جنبه های ایمان در دوره نوجوانی
۵۷ جنبه تفکر منطقی
۶۰ جنبه قضاوت اخلاقی
۶۳ جنبه دیدگاه گیری
۶۸ جنبه آگاهی اجتماعی
۷۱ جنبه جایگاه قدرت
۷۲ جنبه وحدت جهان
۷۴ جنبه عملکرد نمادین
۷۴ ۱۳-۲. نتیجه گیری
۷۶ ۱۴-۲. پیشینه پژوهش های خارجی
۸۱ ۱۵-۲. پیشینه پژوهش های داخلی
۸۴ ۱۶-۲. نتیجه گیری

فصل سوم

۸۵ ۱-۳. مقدمه
۸۵ ۲-۳. روش پژوهش
۸۵ روش پژوهش کمی
۸۵ روش پژوهش کیفی
۸۶ ۳-۳. جامعه آماری
۸۶ ۴-۳. روش نمونه گیری
۸۷ ۳-۵. حجم نمونه
۸۷ ۳-۶. ابزار جمع آوری اطلاعات
۸۸ پرسشنامه محقق ساخته
۸۹ برآورد روایی و پایایی سوالات پرسشنامه
۸۹ مصاحبه
۹۰ ساختار مصاحبه رشد ایمان (FDI)
۹۰ نحوه اجرا و کدگذاری FDI
۹۱ روایی و پایایی FDI
۹۳ ۳-۷. روش تجزیه و تحلیل داده ها

فصل چهارم

۹۴	۱-۴.مقدمه
۹۴	۲-۴.توصیف داده ها
۱۲۰	۳-۴.آزمون فرضیه ها

فصل پنجم

۱۲۵	۱-۵.مقدمه
۱۲۵	۲-۵.بحث در نتایج
۱۴۴	۳-۵.نتیجه گیری
۱۴۶	۴-۵.پیشنهادهای پژوهشی
۱۴۷	۵-۵.پیشنهادهای کاربردی
۱۴۸	۶-۵.محدودیت های پژوهش

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱. مقدمه

در جامعه ما ایمان و باورهای دینی، رکن اصیل زندگی را تشکیل می‌دهند و اهتمام به آموزش مذهبی - به خصوص در دو دهه اخیر - دل‌مشغولی اصلی اولیای امور است. علمای دین معتقدند که آدمی اصولاً گرایش فطری به خداجویی دارد و پرسش‌های مهم و اساسی زندگی مانند خدا کیست، چیست و یا کجاست، برخاسته از فطرت هستند و جهان‌بینی وی را تعیین می‌کنند. بر مبنای پاسخ‌هایی که فرد در برابر پرسش‌های خود در قلمرو باورهای اصولی و بنیادی دین، احکام، فرائض دینی و سایر زمینه‌های تفکر مذهبی دریافت می‌کند، نظام ارزشی وی پی‌ریزی می‌شود. بنابراین بدیهی است که هر اندازه آموزش‌های مذهبی از شفافیت بیشتر و ابهام کمتری برخوردار باشند هویت مذهبی نیز به همان اندازه مستحکم‌تر و منسجم‌تر خواهد شد. بنابراین بررسی شکل - گیری ایمان و چگونگی فهم و درک مفاهیم آن در کودکان و نوجوانان بدون در نظر گرفتن تأثیر آموزشی بسیار مشکل است.

پذیرش تأثیر شگرف آموزش و توجه خاص مسئولان آموزش و پرورش به این امر، این انتظار را به وجود می‌آورد که کودکان و نوجوانان جامعه اسلامی ما باید از باورهای مذهبی راسخ‌تر و استوارتری برخوردار باشند و در انجام رفتارهای مذهبی تقید و پای‌بندی بیشتری نشان دهند؛ اما شواهد مبین افزایش درجه آسیب‌پذیری دینی و مذهبی در نسل نو هستند (دادستان، ۱۳۸۱).

می‌توان درباره علل این عدم موفقیت نسبی، از خود سؤال کرد. بی‌تردید هر جامعه از شهروندان خود انتظار دارد تا برخی از هنجارها و قراردادهای اجتماعی را محترم بشمارند و ارزش‌های اخلاقی و مذهبی حاکم بر آن را بپذیرند. چنین هنجارها و ارزش‌هایی از نخستین سال‌های زندگی به کودکان انتقال داده می‌شوند؛ اما درک افراد از ماهیت و معنای این مفاهیم ارتباط تنگاتنگی با سطح تحول آن‌ها دارد. در هر یک از مراحل تحول، کودک مجموعه‌ای از ضوابط انتقادی را در

ارتباط با آنچه درست و آنچه نادرست است می‌آموزد، اما دربارهٔ درست یا نادرست بودن آن‌ها بر حسب سطح تحول خود قضاوت می‌کند. پس شاید علت عدم موفقیت نسبی مسئولان آموزشی و پرورشی در دستیابی به هدف‌های مورد انتظار در قلمرو ارزش‌های مذهبی در این باشد که سطح تحول و درجهٔ توانایی دریافت‌کنندگان مفاهیم در نظر گرفته نمی‌شود؟ یا شاید مدرسه فقط خود را موظف به انتقال معارف دینی به دانش‌آموزان می‌داند بدون آنکه به هدف اصلی خود یعنی پرورش مجموعه‌ای از باورهای بنیادی توجه کند؟ یا بالاخره شاید مدرسه با اتخاذ روشی غیر تحولی و بر اساس الگویی بزرگسالانه، حافظهٔ دانش‌آموزان را برای مدت محدودی از انبوهی از معلومات دینی انباشته می‌کند، بدون آنکه به درونی‌سازی¹ این مفاهیم بیندیشد؟

بی‌تردید برای ارائهٔ آموزش‌های مذهبی کارآمد و کمک به شکل‌گیری مفاهیم مذهبی در فراگیران باید به چند پرسش اصلی پاسخ داده شود:

- آیا می‌توان اصول عقاید یک مذهب را با زبان پیچیده‌ی فلسفی به فراگیران آموخت؟
- آیا پاسخ‌های کلامی برای فراگیران سودمندند؟
- فراگیران تا چه اندازه می‌توانند مفاهیمی مانند خدا، عدالت، ثواب، عقاب، بهشت، جهنم و جز آن را درک کنند؟
- آیا باید آموزش اصول و مفاهیم مذهبی را تا حصول ظرفیت و قدرت درک آن‌ها توسط فراگیران به تعویق انداخت یا آنکه باید در ارائه مفاهیم مذهبی از یک سلسله مراتب پیروی کرد و در هر مرحله به شیوه‌های آموزشی متناسب با آن مرحله متوسل شد؟
- اگر لزوم تطبیق آموزش با مراحل تحول روانی فراگیران را بپذیریم، این مراحل کدام‌اند و چگونه باید روش‌ها و محتوای آموزش را با این مراحل منطبق کرد؟

¹ -Internalization

پاسخ به این پرسش‌ها بدون تکیه بر پژوهش‌ها و یافته‌های علمی روان‌شناختی و به ویژه روان‌شناسی تحولی امکان‌پذیر نیست؛ چرا که تنها بر مبنای بررسی فرایند^۲ شکل‌گیری عواطف و ظرفیت‌های شناختی است که امکان تدوین برنامه‌ها و انطباق روش‌های آموزشی با سطح تحول فراگیران فراهم می‌شود.

با توجه به این نکته که شکل‌گیری ایمان و به وجود آمدن احساس تعلق به دین، فرایندی است که تبیین آن مستلزم بررسی زیرساخت‌های نظری است. اینک لحظه‌ای در باب گستره و سوابق این قلمرو درنگ می‌کنیم. بسیاری از پژوهش‌گران بنا بر این باور که ایمان به آسانی در چهارچوب بررسی‌های تجربی نمی‌گنجد و ایمان نه قابل تحلیل است و نه با مقیاس‌های آماری قابل اندازه‌گیری است، از بررسی چگونگی شکل‌گیری ایمان امتناع کرده‌اند. در حالی که آنچه موضوع بررسی‌های روان‌شناختی قرار می‌گیرد رفتار و فهم مذهبی است و نه مذهب به خودی خود. به عبارت دیگر، روان‌شناسی تحولی، شناخت ارتجالی^۳ کودک از مفاهیم مذهبی یا مذهب ارتجالی^۴ را وجهه‌ی همت خود قرار می‌دهد و در منطبق کردن مذهب اکتسابی، یعنی اعمال و تکالیف مذهبی که کودک به طور مستقیم از راه آموزش بزرگ‌سالان و یا تقلید از آنها فرا می‌گیرد با توانایی‌های ارتجالی کودک، کوشش به عمل می‌آورد (گلدمن، ۱۹۶۴؛ پیاژه ۱۹۶۸. نقل از دادستان، ۱۳۸۶)

اغلب بررسی‌های روان‌شناختی درباره‌ی چگونگی شکل‌گیری ایمان، دریافت کودکان سنین متفاوت از مفهوم خداوند را به عنوان محوری‌ترین مفهوم مذهبی بررسی کرده‌اند و در زمینه شکل‌گیری مفاهیم اخلاقی و متافیزیکی به نوعی هماهنگی بین مراتب تحول این مفاهیم و ظرفیت‌های

^۲-Process

^۳-Spontaneous

^۴Spontaneous religion: افکار و باورهایی که در خلال تلاش کودک برای تفسیر مفاهیم و رفتارهای مذهبی در چهارچوب ساختار شناختی وی به وجود می‌آیند.

عملیاتی دست یافته‌اند و نشان داده‌اند که در قلمرو مفاهیم متافیزیکی یعنی مذهب، توالی گذار از زیرساخت‌های عینی به زیر ساخت‌های صوری، اهرم اصلی تحول را تشکیل می‌دهد.

کودک در طی فرایند تحول، بر اساس توانایی‌ها، محدودیت‌ها، و ظرفیت‌های ذهنی هر مرحله به تبیین مسائل مذهبی می‌پردازد. محدودیت‌های ذهنی کودک معمولاً از خودمیان‌بینی وی-که در هر سه دوره بزرگ تحول قابل مشاهده است- ناشی می‌شوند.

خود میان‌بینی دوره دوم به معنای عدم تمایز بین دیدگاه خود و دیگری در شکل‌گیری ایمان کودک نقشی بنیادی ایفا می‌کند. ساخته‌پنداری یکی از انواع خود میان‌بینی‌هاست و این باور را در کودک ایجاد می‌کند که آنچه در جهان وجود دارد توسط کسی یا چیزی ساخته شده است و بر این اساس، کودک در برهه‌ای از تحول خویشتن، صفات الهی به ویژه فهم مطلق و قدرت مطلق را به والدین و سپس به همه انسان‌ها نسبت می‌دهد؛ اما این ساخته‌پنداری که پدیده‌ای تحولی است با گذار از مراحل انحلال می‌یابد. گسترش افق‌های جدید ذهنی موجب می‌شود تا کودک مرزهای توانایی انسان را درک کند و از نسبت دادن این صفات به وی خودداری ورزد و متوجه خداوند شود. این فرایند، توالی منظمی را از سطح عینی تا سطح انتزاعی طی می‌کند. بنابراین همه پژوهش‌گران تحولی‌نگر بر این باورند که آموزش و از جمله آموزش دینی باید با سطح تحول عقلی یادگیرنده، منطبق باشد و هیچ آموزشی تا وقتی کودک به سطح سازمان روانی لازم برای درک آن نرسیده باشد مفید واقع نمی‌شود. به عبارت دیگر، دریافت مفاهیم انتزاعی مذهبی فراتر از افق ذهنی کودکان خردسال است و قبل از دست‌یابی به سطح تفکر انتزاعی امکان‌پذیر نیست و تنها با شروع دوره عملیات منطقی صوری است که نوجوان می‌تواند غیر مادی بودن خداوند را درک کند و فرضیه وجود عوامل غیر مادی را بپذیرد.

به اعتقاد هال (۱۹۰۴: کاویانی، ۱۳۸۳) آدمی فقط با رسیدن به سن نوجوانی، آماده ورود به عشق و دیگرخواهی می‌شود و تا دوره نوجوانی تجربه عمیق و راستین مذهبی امکان‌پذیر نیست. نوجوانی نقطه اوج رشد ایمان فرد می‌باشد؛ سال‌های پیش از آن اساساً دوران مقدماتی است و سال‌های پس از آن عمدتاً صرف اصول و عقاید می‌شود. نوجوانی دوره عظیم انتقال از خودگرایی به دیگرگرایی است.

بنابراین باید گفت که اگر از سویی، شکل‌گیری مفاهیم مربوط به ایمان، تحت تأثیر آموزش مذهبی قرار می‌گیرد و از سوی دیگر، بر اساس مجموعه پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده‌اند آموزش تنها زمانی مؤثر واقع می‌شود که با سطح تحول فراگیر مرتبط باشد؛ پس در تدوین محتوای آموزشی و روش ارائه آن، باید به توانایی‌های فراگیر برحسب مراحل تحول، توجه شود.

۱-۲. بیان مسأله

دین امری ثابت است که از عالم غیب منشاء گرفته است و خمیرمایه آن حقیقت است، در حالی که ایمان امری تحولی است که پویایی حاصل تلاشی است که از فهم دین کسب می‌شود (شعبانی، ۱۳۸۳). رشد ایمان یکی از جنبه‌های تحولی است که همانند سایر جنبه‌های رشد آدمی (یعنی رشد زیستی، شناختی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی - فرهنگی) از ویژگی‌های عمومی برخوردار است؛ از قبیل اینکه امری تدریجی است و در ارتباط متقابل با سایر جوانب رشد صورت می‌گیرد و فرایندی مداوم و ترکیبی دارد که همراه با تفاوت‌های فردی و انعطاف‌پذیری است و در شرایط اجتماعی - فرهنگی هر فرد شکل می‌گیرد. که همه این‌ها در ارتباط متقابل با سایر جوانب رشد می‌باشد (لطف آبادی ۱۳۸۲).

هال (۱۹۰۴) رشد ایمان را به عنوان مختصری از تاریخچهٔ انسانی می‌داند که از مرحلهٔ جاندار-پنداری شروع شده و از مراحل اسطوره سازی، چند خداپنداری گذشته و در نهایت به مراحل معنوی نائل می‌شود (کاپیانی، ۱۳۸۳).

شکل‌گیری رشد ایمان در گذر از مراحل زندگی، سریع‌تر و پیچیده‌تر می‌شود و بر اساس این تحولات، بررسی چگونگی رشد ایمان از موضوعات مهم روان‌شناسی رشد است که روان‌شناسان بزرگ دربارهٔ آن به تحقیق و نظریه‌پردازی پرداخته‌اند. نظریه‌پردازی پیاژه زمینهٔ اولیه را برای فهم رشد شناختی ایمان فراهم کرده است. در ادامه آلپورت، کلبِرگ، اریکسون، گلدمن، بر اساس نظریهٔ پیاژه مطالعات مختلفی را در این زمینه انجام داده‌اند؛ اما در سال ۱۹۸۱، جیمز فولر^۵ نظریهٔ رشد ایمان^۶ جامعی را پیشنهاد کرد که متمرکز بر انگیزه کشف معنا در زندگی از محتوای درونی و بیرونی مذهب سازمان یافته است. نظریهٔ پیشنهادی فولر شامل ۶ مرحله است که عبارتند از: (۱) مرحله ایمان شهودی - فرافکنی^۷ (تولد تا ۷ سالگی)، (۲) ایمان اسطوره‌ای-واقعی^۸ (۸ تا ۱۱)، (۳) ایمان ترکیبی - قراردادی^۹ (۱۲ تا ۱۸ سالگی)، (۴) ایمان فردی-شده-تعمقی^{۱۰} (۱۹ تا ۲۵ سالگی)، (۵) ایمان عطفی^{۱۱} (نیمه دوم جوانی تا میان سالی)، (۶) ایمان جهانی^{۱۲} (میان سالی و پس از آن).

فولر در ارائهٔ مراحل رشد ایمان کوشیده است تا به موازات تحول شناختی و روانی اجتماعی، الگویی کلی از تحول معنوی و معنادهی به زندگی را برای تمام عمر ارائه دهد. شش مرحلهٔ تحول روانی - معنوی فولر، که تلاش کرده است با توصیف آن‌ها، شیوه‌ای برای پیش‌بینی با ایمان بودن فرد ترسیم کند، اساساً سر و کار با محتوای ایمان ندارند. این مراحل بر یک نظام ارزشی خاص

5 -James Fowler

2-faith development

۳-Intuitive-projective faith

۴-Mythical-literal faith

۵-Synthetic-conventional faith

۶-Individuative-reflective faith

۷-Conjunctive faith

۸-Universalizing faith

منطبق نیستند، بلکه به دنبال بیان سبک‌های مختلف شناخت و ارتباط، عملیات شناخت و ارزش-دهی هستند؛ سبک‌هایی که به تحول ایمان ساخت می‌دهند. تحول فرد در این دوره‌های رشدی، به صورت پویا، تدریجی، طولانی، تراکمی، با افت و خیزهای فراوان رخ می‌دهد. هر مرحله ضمن پیچیده‌تر و متمایز شدن، روش قابل فهم‌تری برای شناخت و ارزش‌یابی، به دست می‌دهد. در گذر از هر مرحله، شخص تشویشی را تجربه می‌کند، اما اگر بتواند بر تعارض به نحو مثبتی غلبه کند، هویت یافتگی او مستحکم‌تر می‌شود. (دادستان، ۱۳۸۶).

فولر در ارائه نظریه خود، تلاش کرده است تا به موازات تحول شناختی، الگویی کلی از تحول معنوی را ارائه دهد. بررسی‌های روان‌شناختی در زمینه شکل‌گیری مفاهیم دینی و متافیزیکی، به نوعی هماهنگی بین مراتب تحول این مفاهیم و ظرفیت‌های عملیاتی دست یافته‌اند و نشان داده‌اند که در قلمرو مفاهیم دینی و مذهبی، توالی گذر از زیرساخت‌های عینی به زیرساخت‌های صوری اهرم اصلی تحول در این دوره‌ها را تشکیل می‌دهد (مدیناس، ۱۹۶۶، استوارت، ۱۹۶۷، لوفورگی و لوشین، ۱۳۶۹، اسلتا، ۱۹۷۸، نقل از دادستان، ۱۳۸۶). بر این اساس، پژوهش‌گران تحولی بر این باورند که دریافت مفاهیم انتزاعی فراتر از افق ذهنی کودکان خردسال است و قبل از دست‌یابی به سطح تفکر انتزاعی مذهبی، امکان‌پذیر نیست و تنها با شروع دوره عملیات منطقی صوری است که نوجوان می‌تواند غیرمادی بودن خداوند را درک کند و فرضیه وجود عوامل غیرمادی را بپذیرد (جان بزرگی، ۱۳۸۶).

با توجه به فرایند رشد ایمان مبتنی بر رشد شناختی می‌توان بیان نمود که در خلال مراحل رشد ایمان فولر، دوره نوجوانی به خاطر شکل‌گیری و تثبیت مفاهیم و باورهای دینی اهمیت زیادی دارد؛ چرا که نوجوان در این مرحله با ذهن مبتنی بر عملیات انتزاعی مواجه است. در تفکر انتزاعی، نوجوان می‌تواند از مفاهیم انتزاعی و آرمانی استفاده کند و خود را آن گونه ببیند که دیگران می‌بینند. ایمان در این مرحله با فهمی فراتر از خانواده یعنی در زمینه مدرسه، کار، عامه

مردم و دیگر نهادهای اجتماعی همراه است. و ایمان دینی برای نوجوان از یک سو راه یافتن به سوی خیر است و از سوی دیگر راهی برای اثبات شخصیت و هویت خویش است (جان بزرگی، ۱۳۸۶، منصور، ۱۳۸۳).

نتایج پژوهش های دادستان (۱۳۸۶)، سادایی (۱۳۷۱) نشان داد که تحول ایمان در بین کودکان و نوجوانان کند و تدریجی است و این روند کند، با روند شکل گیری آن با الگوی تحول شناختی همسویی دارد. چنین نتایجی بیانگر این نکته اند که به رغم تلاش گسترده دست اندرکاران آموزش دینی، شکل گیری مفاهیم اخلاقی و مذهبی کودکان و نوجوانان ما بسیار دیررس است. به طور که در گستره سنی مورد آزمایش، در اکثر دانش آموزان اثری از درک مفاهیم مذهبی و اخلاقی به معنای درست به چشم نمی خورد و در نتیجه، شکل گیری آن را باید در گستره سنی بالاتری جستجو کرد.

امروزه این نکته مسلم است که هر محتوای آموزشی بر حسب سطح صلاحیت فرد درون سازی می شود و به تبع این ظرفیت درون سازی است که کودک خردسال، در وهله نخست مفاهیم مربوط به ایمان را در سطح مفاهیم جسمانی انسانی دریافت می کند و سپس با گذار از مراحل تحول، به برداشتی از این مفاهیم دست می یابد. بنابراین، مفاهیمی مانند عدالت، قدرت، علم، حضور حیات، مرگ و جز آن، به عنوان مولفه های ایمان و یا تبیینهایی چون علیت، نظم و غیره از جمله مفاهیمی هستند که کودک آنها را تنها براساس تجربه های مکرر، عینی و مانوس، می تواند دریافت کند تا به تدریج، تجسمی که نهایت همه این مفاهیم است در ذهن وی استقرار یابد. در حالی که محتوا و روش آموزش مفاهیم دینی، بدون در نظر گرفتن این گذار از عینی به انتزاعی، مفاهیمی را به کودکان و نوجوانان عرضه می کند که برای آنها قابل درک نیستند و از روشهایی سود می جوید که با سطح تحول آنها تطبیق نمی کنند و در نتیجه، مفاهیم ارائه شده به گونه ای سوای آنچه مورد نظر است درون سازی می شوند. در حالی که اگر این آموزش ها سطح

توان ذهنی فراگیران را در نظر می گرفتند و به مراحل تحول و ویژگیهای آن توجه می کردند، بی تردید به نتایج قابل قبول تری در شکل گیری ایمان در کودکان و نوجوانان منجر می شد. زیرا نتایج پژوهش ها نشان می دهند که مسایل مذهبی در جامعه کنونی ایران در میان نوجوانان و جوانان با تغییراتی در اندیشه و عملکرد مواجه است. این وضعیت بیانگر اینست که هر چند باورها و عواطف دینی در میان نوجوانان و جوانان حاضر و بادوام است، اما از سویی دیگر پذیرش و اجرای تمام ابعاد دینداری و مسایل مذهبی به خاطر عدم توجه به مراحل تحول، از جانب نوجوانان مورد تردید است (آزاد، توکلی، ۱۳۸۵، تمدنی، ۱۳۸۵).

نلسون^{۱۳} و همکاران (۱۹۷۷) ماسن^{۱۴} و همکاران (۱۹۹۰) معتقدند که رشد ایمان نوجوانان، منعکس کننده سطح رشد شناختی آنان است و وابسته به اکتساب فردی تفکر عملیات انتزاعی جهت نظم دادن به عقاید دینی و تفکر در زمینه مفاهیم دینی می باشد. بر این اساس نوجوانان در این مرحله نیازمند آن هستند که به صورت ترکیبی که ناظر بر وحدت یافتگی واکنش ها و به نوعی احساس واحد از معنادگی به زندگی و هویت شخصی خود هستند، به تفکر بپردازند. (جان بزرگی، ۱۳۸۶، لطف آبادی، ۱۳۸۱).

در این راستا می توان اذعان نمود که بنیان درک و فهم رشد ایمان، رشد شناختی است و در کنار این جنبه از رشد، ترکیب پویای ویژگی های انگیزشی، عاطفی، اجتماعی و فرهنگی باعث می شود نوجوانان پذیرای ارزش های دینی و اخلاقی باشند؛ زیرا در این دوره نوجوانان هم از نظر احساس نیاز به پرستش کمال مطلق و هم از نظر تفکر انتزاعی برای روی آوردن به دین و فهم مفاهیم پیچیده ذهنی، آمادگی های احساسی و ذهنی لازم را به دست می آورند. از آنجایی که این باورها هم در نحوه تفکر نوجوانان درباره هستی و هم در احساسات و عواطف آنها نسبت به خود و دیگران و هم در رفتار آنها نقش دارد، می توان گفت که تأثیر غیرقابل انکاری بر سایر جنبه های

13 -Nelson

14 -Mussen

رشد خواهد داشت و مناسب‌ترین زمان در شکل‌گیری رشد ایمان است (دادستان، ۱۳۸۶، لطف آبادی، ۱۳۸۱).

گالوپ^{۱۵} و وبزیلا^{۱۶} (۱۹۹۲) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که ۹۵ درصد نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ ساله به خداوند اعتقاد دارند. آنان در یک هفته قبل از پاسخ‌گویی به سؤالات آن تحقیق، عملاً فعالیت مذهبی کرده بودند و معتقد بودند که ایمان دینی امری کاملاً مهم در زندگی است (سانتراک، ۲۰۰۴).

بلز و جونز^{۱۷} (۱۹۸۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که نوجوان مایل است از نظر معرفت و شناخت، خلاء موجود در زندگی‌اش را پر کند. و نوجوان در عین حال که آماده خدمت است، قادر است از منافع خود چشم‌پوشی کند. این دو خصیصه حاکی از آن است که ارزش‌های معنوی معینی از ارزش‌های اخلاقی و دینی در تفکرش مقام مهمی دارند (کاوایانی، ۱۳۸۳).

با توجه به اهمیت دوره نوجوانی، از نظر شکل‌گیری و تثبیت باورهای دینی و رسیدن به معنای خود و کسب هویت، بررسی رشد ایمان نوجوانان که منطبق با دوره سوم نظریه رشد ایمان فولر است، مورد نظر محقق می‌باشد.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

15 -Gallup

16 -Bezilla

17 -Belz&Gones

نتایج بررسی‌های روان‌شناختی نشان داده‌اند کودکانی که در تمام سال‌های پیش از نوجوانی تحت آموزش و تلقین‌های شدید مذهبی بوده‌اند، باز هم وقتی به سن نوجوانی می‌رسند باورهای دینی خود و اطرافیانشان را مورد سؤال قرار می‌دهند. علت این مسأله آن است که تفکر نوجوانان به سطح بالاتری از رشد می‌رسد و رشد سریع شناختی، باعث می‌شود که او بهتر بتواند درباره مسائل ارزشی و دینی قضاوت کند و در برخورد با این مسائل واکنش دقیق‌تر و پیچیده‌تری نشان دهد (لطف آبادی، ۱۳۸۱، کاویانی، ۱۳۸۳). نتیجه همراهی این جنبه از رشد (رشد شناختی) با تحولات وسیع عاطفی و اجتماعی و مواجهه نوجوانان با مقتضیات زندگی و تجارب تازه‌ای که در موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی خود کسب می‌کنند، درگیری آنان را با مسائل ارزشی و دینی بیش‌تر می‌کند. مجموعه وسیعی از تغییرات درونی و بیرونی و تعارض‌های ناشی از ارزش‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی و دینی باعث می‌شود که نوجوانان در جهت یافتن جایگاه مطمئنی برای شناخت و هویت خویش گام بردارند و این شناخت، مستلزم اسناد ویژگی‌های دینی و ارزشی به خود هست. با بروز تفکر انتزاعی (بر اساس نظام پیازه) و باز پدیدآیی رابطه مثلی در پهنه اجتماعی (بر اساس نظام فروید) و بحران دستیابی به هویت (بر اساس نظام اریکسون) می‌توان حق برخورداری از تحول دینی را در دوره نوجوانی از زاویه رشدی و پرورشی مهم دانست و سرمایه‌گذاری برای هموارسازی این راه و جلوگیری از به هدر رفتن نیروهای بالقوه جامعه را از نخستین ضرورت‌های بررسی بعد رشد ایمان این گروه سنی از دانش‌آموزان قلمداد کرد.

هم‌چنین با توجه به اهمیت این دوره در رسیدن به یک معنای باثبات در زندگی، و نیز به خاطر بافت ویژه مذهبی جامعه خود، این انتظار به وجود می‌آید که نوجوانان جامعه ما از باورهای دینی راسخ‌تر و استوارتری برخوردار باشند. اما شواهد مبین افزایش درجه آسیب‌پذیری دینی در نسل نو هستند و میزان پای‌بندی اغلب نوجوانان ما به رفتارهای دینی در حد انتظار نیست (سادایی، ۱۳۷۱: دادستان، ۱۳۸۶). نوجوانان بیش از همه در معرض خطر فقر و غفلت از ارزش‌های انسانی و کم